

نظام قضایی سالم در گرو تأمین معیشت و منزلت قاضی

عدالت، پیش از آنکه در متسن قوانین و آرای دادگاه‌ها دیده شود، در کیفیت زندگی، آرامش ذهنی، استقلال و امنیت شغلی کسانی تجلی می‌یابد که مسئول اجرای قانونند. قاضی، در نظام حقوقی، صرفاً یک کارمند اداری نیست که بتوان جایگاه او را با معیارهای معمول پرداخت حقوق و مزایا بسنجید؛ او مأمور تصمیم‌گیری درباره جان، مال، آبرو، آزادی، خانواده و حقوق بنیادین شهروندان است. از این‌رو، تأمین معیشت شایسته قضات نه یک امتیاز صنفی و نه صرفاً یک ردیف هزینه‌ای در بودجه عمومی، بلکه بخشی از زیرساخت تحقق عدالت، حفظ استقلال قضایی و صیانت از حقوق مردم است. امروز، یکی از دغدغه‌های مهم در نظام قضایی کشور، فاصله میان حساسیت، حجم و مخاطرات مسئولیت قضایی با سطح امکانات معیشتی و رفاهی بخشی از قضات است. هنگامی که یک دانش‌موخته ممتاز حقوق میان مسیرهای متعدد حرفه‌ای - از وکالت، مشاوره حقوقی، فعالیت اقتصادی و دانشگاهی تا مشاغل مدیریتی - دست به انتخاب می‌زند، طبیعی است که علاوه بر انگیزه‌های معنوی و علاقه به عدالت، امنیت اقتصادی، مسیر رشد شغلی، شأن حرفه‌ای و امکان تأمین آبرومندانه زندگی خود و خانواده‌اش را نیز در نظر بگیرد. اگر دستگاه قضایی نتواند در این رقابت، جایگاهی متناسب با منزلت و مسئولیت قضات فراهم کند، پیامد آن تنها کاهش انگیزه ورود به حرفه قضا نیست، بلکه به تدریج کیفیت سرمایه انسانی، سرعت رسیدگی، اتقان آرا و اعتماد عمومی به عدالت نیز متاثر خواهد شد.

■ استقلال قضایی، فراتر از استقلال در صدور رأی

استقلال قضایی معمولاً به معنای مصونیت قاضی از دخالت اشخاص، نهاده‌ها و مقامات در فرایند رسیدگی و صدور رأی تلقی می‌شود، اما استقلال واقعی، تنها با منع دخالت بیرونی محقق نمی‌شود. قاضی باید از حیث معیشت، امنیت شغلی، جایگاه اجتماعی و آینده حرفه‌ای نیز در وضعیتی قرار گیرد که تصمیم او متأثر از نیازهای روزمره، فشارهای اقتصادی یا نگرانی‌های معیشتی نباشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۵۶، قوه قضائیه را «قوه قضائیه مردمی می‌کند که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشین به عدالت است. همچنین اصل ۱۶۴ قانون اساسی، در راستای تثبیت امنیت شغلی و استقلال قضات، تصریح می‌کند که «مردمی می‌کند که شاغل آن است بدون محاکمه و اثبات جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، منفسل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا مستثنی از تغییر دایه مگر به اقتضای مصلحت قضایی یا تصمیم ریاست قوه قضائیه که از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. فلسفه این حمایت این است که قاضی باید بتواند بدون هراس از پیامدهای شغلی، اداری و بیرونی، بر مبنای قانون، وجدان و ادله پرونده حکم کند. با همین منطق، تأمین اقتصادی قاضی نیز بخشی مکمل از استقلال اوست. قضایی‌ که دغدغه تأمین حداقل‌های زندگی مسکن، درمان، آموزش فرزندان یا آینده خانواده

خود را دارد، هرچند از نظر قانونی مستقل باشد، در عمل با بخشی از فشارهای پنهان و فرساینده مواجه خواهد بود. بنابراین، نگاه به حقوق و مزایای قضات باید از چارچوب صرفاً اداری خارج شود. این موضوع، مستقیماً با کیفیت حکمرانی، سلامت اداری، اعتماد عمومی و امنیت حقوقی جامعه ارتباط دارد.

■ تأمین معیشت قاضی در آموزه‌های اسلامی

در میراث فقهی و سیاسی اسلام نیز به تأمین نیازهای قاضی توجهی جدی شده است. امیرالمؤمنین علی(ع) در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر، پس از بیان ویژگی‌های لازم برای انتداب قضات، درباره تأمین آنان می‌فرماید: «وَأَفْضَلُ لِي الْبَذْلُ مَا يَزِيلُ عَنْهُ وَثَقُلَ مَعَهُ خَاخَئَةُ إِلَى النَّاسِ»، یعنی در بخشش و تأمین او چنان گشایش ایجاد کن که نیاز و تنگدستی او برطرف شود و احتیاجش به مردم کاهش یابد. این عبارت، یک توصیه صرفاً رفاهی نیست، بلکه ناظر به فلسفه‌ای عمیق در اداره عدالت است. قاضی باید به‌گونه‌ای تأمین شود که نیاز او به اشخاص، صاحبان قدرت، اصحاب دعوا و منابع بیرونی کاهش یابد. هرچه وابستگی اقتصادی قاضی به افراد باشد، استقلال او در تصمیم‌گیری بیشتر و زمینه آسیب‌پذیری او در برابر تطمیع، فشار و روابط ناسالم محدودتر خواهد شد. به تعبیر دیگر، تأمین معیشت قاضی در منطق علوی، اقدامی پیشگیرانه برای حفظ پاکدستی، اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضاست.

■ استانداردهای بین‌المللی و تجربه نظام‌های قضایی

در اسناد بین‌المللی مرتبط با استقلال قضایی نیز، تأمین مناسب قضات یکی از ارکان استقلال دستگاه دادگستری تلقی شده است. «اصول اساسی سازمان ملل متحد درباره استقلال قضات» مصوب ۱۹۸۵، در بند ۱۱ تأکید می‌کند که مدت تصدی، استقلال،



امنیت، حقوق و مزایا، شرایط خدمت، بازنشستگی و سن بازنشستگی قضات باید به‌طور مناسب و از طریق قانون تضمین شود. مقصود از این تضمین آن است که دستگاه قضایی بتواند افراد توانمند، پاکدست و مستقل را جذب و حفظ کند. در اغلب نظام‌های حقوقی موفق، برای قضات علاوه بر حقوق متناسب، سازوکارهای روشنی درباره امنیت شغلی، بیمه، بازنشستگی، مسکن، آموزش مستمر، حمایت از سلامت روان و جسم و مسیر ارتقای حرفه‌ای پیش‌بینی شده است. بدیهی است که الگوگیری از تجربه جهانی به معنای تقلید بی‌چون‌وچرا نیست، اما نادیده گرفتن این واقعیت نیز درست نیست که در بسیاری از کشورهای پرداخت مناسب به قضات به‌عنوان یکی از ابزارهای پیشگیری از فساد، افزایش بهره‌وری قضایی، تضمین بی‌طرفی و حفظ سرمایه شناخته می‌شود.

خروج نخبگان، تهدیدی آرام، اما پرهزینه نظام قضایی برای تربیت یک قاضی توانمند، هزینه‌های فراوانی پرداخت می‌کند. آموزش حقوقی، گزینش، کارآموزی قضایی، تجربه عملی در شعب، آشنایی با رویه‌ها، مدیریت پرونده، قدرت استدلال، مهارت نگارش رأی و توان مواجهه با پیچیدگی‌های انسانی و اجتماعی پرونده‌ها، در مدت کوتاه حاصل نمی‌شود. قاضی با تجربه، تنها یک نیروی انسانی نیست؛ او سرمایه‌ای انباشته از دانش، تجربه، شناخت رویه قضایی و مهارت حل و فصل اختلافات است. خروج چنین نیروهایی از دستگاه قضا یا کاهش انگیزه آنان برای ادامه خدمت، خسارتی است که آثار آن به‌سرعت قابل جبران نیست. این مسئله می‌تواند پیامدهای متعددی داشته باشد:

نخست: افزایش اطلاع دادرسی؛ هر گاه تعداد قضات مجرب و متخصص با حجم پرونده‌های ورودی تناسب نداشته باشد، پرونده‌ها مدت

چیز به ثبات قرار داده‌ها، حمایت از مالکیت، امکان اجرای تعهدات و حل و فصل سریع و منصفانه اختلافات نیاز دارند. دستگاه قضایی کارآمد، یکی از پایه‌های امنیت سرمایه‌گذاری است. بنابراین هزینه‌کرد برای توانمندسازی و حفظ قضات، در واقع سرمایه‌گذاری برای کاهش ناطمینانی اقتصادی در جامعه است.

■ ضرورت بازنگری در سیاست‌های جذب و نگهداشت قضات

برای حل این مسئله، صرف افزایش مقطعی حقوق کفایت نمی‌کند؛ هرچند اصلاح دریافتی‌ها ضرورتی انکارناپذیر است. نیاز امروز، طراحی یک سیاست جامع برای جذب، نگهداشت و ارتقای سرمایه انسانی در دستگاه قضایی است. در این چارچوب، چند اقدام ضروری به نظر می‌رسد:

۱. بازنگری در نظام پرداخت قضات بر مبنای شأن و مسئولیت حرفه‌ای

حقوق و مزایای قضات باید متناسب با سطح مسئولیت، تخصص، حساسیت تصمیمات، خطرات شغلی، حجم کار و شرایط اقتصادی کشور تعیین شود. این بازنگری باید مستمر و مبتنی بر شاخص‌های واقعی هزینه زندگی باشد، نه تصمیمات مقطعی و غیرقابل‌پیش‌بینی.

۲. تقویت حمایت‌های رفاهی هدفمند

تسهیلات مسکن، بیمه تکمیلی مؤثر، حمایت درمانی، امکانات آموزشی برای خانواده، تسهیلات ضروری و سازوکارهای حمایتی در مناطق محروم یا پرهزینه‌ی می‌تواند بخش مهمی از فشارهای معیشتی را کاهش دهد. این حمایت‌ها باید شفاف، عادلانه و متناسب با شرایط محل خدمت باشد.

۳. طراحی مسیر روشن ارتقای حرفه‌ای قاضی باید بداند که تجربه، دانش، دقت در صدور رأی، سلامت اداری، توان مدیریتی و تلاش علمی او در مسیر شغلی‌اش دیده می‌شود. نظام ارتقا باید شفاف، مبتنی بر شایستگی و فارغ از برداشت‌های سلیقه‌ای باشد.

۴. توجه به آموزش مستمر و تخصص‌گرایی پیچیدگی پرونده‌های اقتصادی، فناوری، جرایم سایبری، مالکیت فکری، دعاوی تجاری و مسائل نوپدید اجتماعی، ایجاب می‌کند که قضات از آموزش‌های روزآمد و تخصصی بهره‌مند شوند. قاضی توانمند، نیازمند فرصت مطالعه، آموزش و پژوهش‌رسانی عملی است.

۵. کاهش حجم نامتعارف پرونده‌ها و اصلاح مدیریت قضایی

حمایت از قاضی تنها به افزایش دریافتی محدود نیست. قاضی که با انبوهی از پرونده‌ها، کمبود نیروی اداری، فرایندهای ناکارآمد و فشارهای آماری روبه‌روست، حتی با بهبود نسبی وضعیت مالی نیز در معرض فرسودگی شغلی قرار می‌گیرد. اصلاح فرایندها، توسعه دادرسی الکترونیکی، استفاده صحیح از ظرفیت شوراهای حل اختلاف، میانجی‌گری و داوری و تقویت کادر اداری می‌تواند بخشی از فشار را کاهش دهد.

عضو حقوق عامه مرکز «وکلا کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده» قوه قضائیه

احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت علمی و فنی و عدم رعایت مقررات و نظامات مربوط بوده است، حسب مورد امکان تحقق مسئولیت حقوقی و وجود ضمانت‌های پدید می‌آید که بدین‌مشره تلفن

■ نقش رضایت بیمار در مسئولیت پزشک

رضایت به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- رضایت صریح: اعم از کتبی و شفاهی ۲- رضایت ضمنی: مراجعه بیمار به پزشک نوعی رضایت به انجام عمل جراحی و روند درمان است. ۳- رضایت اگاهانه: آگاهی و اطلاع کامل و کافی بیمار در روند درمان.

رضایت بیمار در مسئولیت پزشک یکی از موضوعات مهم در حقوق پزشکی است. رضایت آگاهانه بیمار می‌تواند در مشروعیت اقدامات درمانی نقش اساسی داشته باشد، اما رضایت بیمار به خودی خود مجوزی برای ارتکاب تقصیر یا بی‌احتیاطی نمی‌باشد، در واقع رضایت بیمار را نمی‌توان به‌گونه‌ای تفسیر کرد که پزشک را از رعایت اصول علمی، مقررات و الزامات قانونی معاف کند. پزشک موظف است، حتی در صورت وجود رضایت بیمار، اقدامات درمانی را در چارچوب ضوابط و استانداردهای مربوطه انجام دهد.

حمایت هم‌زمان از بیمار و جامعه پزشکی و رسیدگی قضایی به پرونده‌های پزشکی باید به گونه‌ای باشد که حقوق بیماران و زیان دیدگان مورد حمایت قرار گیرد و همچنین انتساب مسئولیت بدون احراز تقصیر و رابطه سببیت نسبت به پزشکان جلوگیری شود. پزشکی حرفه‌ای تخصص محور است و ارزیابی عملکرد پزشک باید با توجه به وضعیت بیمار، شرایط زمانی و مکانی، امکانات موجود، فوریت درمان و استانداردهای علمی قابل اعمال در همان وضعیت صورت گیرد.

■ تعهد پزشک

تعهد پزشک، تعهد به وسیله است، در مواردی که مهارت پزشک صرفاً برای اقدام مربوطه (روند درمان یا عمل جراحی) تأثیرگذار نباشد و عوامل دیگری همراه با اقدام او مؤثر باشد، تعهد پزشک، تعهد به نتیجه است در غیر این صورت تعهد پزشک، تعهد به نتیجه نیست. مسئولیت پزشک باید بر پایه احراز تقصیر، رابطه سببیت و انطباق رفتار به عنوان قانونی جرم شکل گیرد زیرا نمی‌توان هر نتیجه نامطلوب درمانی را جرم تلقی نمود و نمی‌توان در صورت وجود دلایل معتبر، تقصیر مسئولیت حرفه‌ای یا قانونی را نادیده گرفت. در نتیجه، رعایت این توازن شرط اساسی تحقق عدالت در حقوق پزشکی و تضمین‌کننده اعتماد عمومی به نظام درمان و دستگاه قضایی است.

وکیل پایه یک دادگستری

نکته

مخاطرات اجاره خط تلفن همراه

■ امیرعلی ناجی

خرید، فروش و اجاره سیم‌کارت، به‌ویژه سیم‌کارت‌های موسوم به «سفید»، «پرو» و «طبقاتی»، به یکی از پدیده‌های رو به گسترش در فضای مجازی تبدیل شده است. بسیاری از افراد در آرای دریافت مبالغی نه‌چندان قابل توجه، سیم‌کارت ثبت‌شده به نام خود را در اختیار اشخاص دیگر قرار می‌دهند؛ بی‌آنکه از آثار حقوقی و کیفری این اقدام آگاهی کافی داشته باشند. در نگاه نخست، سیم‌کارت صرفاً وسیله‌ای برای برقراری تماس یا ارسال پیامک به نظر می‌رسد، اما واقعیت آن است که در عصر دیجیتال،

شماره تلفن همراه به یکی از مهم‌ترین ابزارهای احراز هویت اشخاص تبدیل شده است. امروزه افتتاح حساب بانکی، دریافت رمزهای یکبار مصرف، ثبت‌نام در سامانه‌های دولتی، ایجاد حساب در شبکه‌های اجتماعی، فعالیت در پیام‌رسان‌ها و حتی انجام بسیاری از معاملات الکترونیکی، به شماره تلفن همراه وابسته است.

به همین دلیل، سیم‌کارت دیگر یک ابزار ارتباطی ساده نیست، بلکه بخشی از هویت دیجیتال هر فرد محسوب می‌شود. همان‌گونه که واگذاری کارت ملی یا اسناد هویتی به اشخاص ناشناس اقدامی پرخطر تلقی می‌شود، واگذاری سیم‌کارت نیز می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای به همراه داشته باشد. امروزه در فضای مجازی آگهی‌های متعددی در عناوینی همچون «خرید سیم‌کارت سفید»، «اجاره خط»، «خرید سیم‌کارت بدون کد کرده» یا «خرید سیم‌کارت پرو» منتشر می‌شود. در بسیاری از این موارد خریداران به دنبال استفاده از خطوطی هستند که امکان شناسایی مستقیم آنان را کاهش دهد. همین موضوع باعث شده است برخی از این خطوط در ارتکاب جرائم سایبری، کلاهبرداری‌های اینترنتی، فیشینگ، اخاذی، پولشویی یا فعالیت‌های غیرقانونی دیگر مورد استفاده قرار گیرند.



در پرونده‌های جرائم رایانه‌ای، نخستین اقدامی که توسط ضابطان و مراجع قضایی انجام می‌شود، شناسایی مالک رسمی شماره تلفن مورد استفاده در ارتکاب جرم است. بنابراین هر گاه جرمی از طریق یک شماره تلفن همراه صورت گیرد، نخستین شخصی که مورد استعلام، احضار یا تحقیق قرار می‌گیرد، مالک ثبت شده همان خط خواهد بود. البته صرف ثبت سیم‌کارت که نام یک شخص، به معنای انتساب قطعی جرم به وی نیست؛ اما واقعیت آن است که مالک رسمی خط ناچار خواهد شد برای رفع اتهام، ارائه توضیحات و اثبات عدم دخالت خود در اثبات واگذاری خط به شخص ثالث به سادگی امکان‌پذیر نیست و همین موضوع می‌تواند مشکلات حقوقی و کیفری متعددی ایجاد کند. از سوی دیگر، در مواردی که احراز شود مالک سیم‌کارت با علم به استفاده غیرقانونی از خط یا با بی‌احتیاطی آشکار، آن را در اختیار دیگران قرار داده است، موضوع مسئولیت وی نیز قابل بررسی خواهد بود. هرچند تشخیص مسئولیت کیفری منوط به بررسی دقیق شرایط هر پرونده است، اما اصل احتیاط اقتضا می‌کند اشخاص از واگذاری سیم‌کارت خود به افراد ناشناس یا فاقد هویت احراز شده خودداری کنند. موضوع، زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدین‌مشره تلفن همراه امروزه می‌تواند مبنای ایجاد آثار حقوقی نیز قرار گیرد. در بسیاری از سامانه‌های الکترونیکی، ارسال و تأیید یک دک پیامکی به منزله اعلام اراده و پذیرش شرایط قراردادی تلقی می‌شود. ثبت‌نام در سامانه‌های مختلف، ایجاد حساب کاربری، پذیرش شرایط استفاده، انعقاد برخی قراردادهای الکترونیکی و انجام بسیاری از فرایندهای مالی و تجاری از طریق احراز هویت مبتنی بر شماره تلفن همراه انجام می‌شود. بر اساس مقررات تجارت الکترونیکی، داده‌پیام و سوابق الکترونیکی در بسیاری از موارد دارای ارزش اثباتی و قابلیت استناد هستند. بنابراین ممکن است از طریق یک شماره تلفن همراه، تعهدات حقوقی ایجاد شود یا اقداماتی صورت گیرد که بعداً منشأ اختلافات و مسئولیت‌های قانونی گردد. به همین جهت، واگذاری سیم‌کارت صرفاً واگذاری یک وسیله ارتباطی نیست، بلکه در مواردی می‌تواند واگذاری امکان استفاده از هویت دیجیتال شخص باشد.

پدیده اجاره سیم‌کارت نیز از منظر حقوقی مخاطرات ویژه‌ای دارد. در این حالت، مالک رسمی بدون انتقال مالکیت، خط را در اختیار شخص دیگری قرار می‌دهد و در مقابل وجهی دریافت می‌کند. در نتیجه تمامی سوابق ثبتی و استعلام‌های رسمی همچنان به نام مالک اولیه باقی می‌ماند، در حالی که استفاده‌کننده واقعی شخص دیگری است. این تعارض میان مالک رسمی و استفاده‌کننده واقعی، در بسیاری از پرونده‌ها منشأ اختلاف و پیچیدگی‌های حقوقی شده است. در سال‌های اخیر بارها از سوی مراجع قضایی، پلیس فتا و اپراتورهای تلفن همراه نسبت به خرید، فروش و اجاره سیم‌کارت هشدار داده شده است. علت این هشدارها آن است که بخش قابل توجهی از جرائم مالی و سایبری با استفاده از خطوطی انجام می‌شود که در اختیار اشخاصی غیراز مالک رسمی قرار دارند. در نهایت باید پذیرفت که سیم‌کارت در دنیای امروز بخشی از هویت دیجیتال هر شهروند است. درآمد اندک حاصل از فروش یا اجاره یک خط تلفن همراه، هرگز قابل مقایسه با مخاطرات احتمالی آن نیست. احضار به مراجع قضایی، قرار گرفتن در مسیر تحقیقات کیفری، ضرورت اثبات بی‌نگاهی و درگیر شدن در پرونده‌های پیچیده حقوقی، تنها بخشی از پیامدهای احتمالی این اقدام است. در عصر حکمرانی داده و هویت دیجیتال، حفاظت از سیم‌کارت به اندازه حفاظت از کارت ملی، اسناد هویتی و اطلاعات بانکی اهمیت دارد و آگاهی عمومی نسبت به این موضوع می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از بسیاری از جرایم و اختلافات حقوقی ایفا کند.